

## زلزله!



**دکتر عبدالحمید حسین نیا**، ن شب خسته و خواب آلود به خانه برگشتنم و چنان کوفته بودم که نامی کردن مردم شام و خوردن آن را نداشتنم.

چهارشنبه شب بود و بیست و نهم آذر ماه و در آستانه شب یلدا.

خواب من بسیار سنگین است و وقتی از فرط خستگی به حال زار می افتم، کسی نمی تواند بیدارم کند. در عمق خواب احساس کردم که کسی مرا می جنباند، جل الخالق کسی در خانه نیست، پس این تکان تکان هالز بهر چیست؟ چشم گشودم و به من برات شد که نکند زمین لرزه آمده باشد. با خود گفتم حتما توهم برداشته ام! دوباره به بستر خواب روی آوردم که صدای زنگ تلفن بود و صدای دخترم آن سوی خط:

بابا، چه خوابیده‌ای که زلزله آمده است!

آی‌رتانم من در طبقه نهم برج است و اگر زلزله از پس زلزله هشدار دهنده رخ دهد، تا بایم سوار آسانسور شوم که آن زمان از کار افتاده است و یا از راه پله فرار کنم، همه آوار برج برسم خراب شده است!

اینچره نگاهی به ساحل دریاچه چیتگر انداختم که پز از ماشین دوپویر از جمعیت هراسان، انگار که مراسم شایه‌ای به راه انداخته باشند! لباسم را پوشیدم و رفتم پایین، حتی راهنمای برج هم فرار کرده بود.

در محوطه برج هوا سرد و خیلی سرد بود و نگهبان گفت: آقای دکتر، هموز ماشین تا بیاید با پارکینگ خارج کرده‌اند و در رفته‌اند، شما تنها کسی هستید که در برج مانده بودید، و من در حالی که به آی‌رتانم در برج برمی گشتم، گفتم: رفتم بخوابم، آدم زیر آوار زلزله میماند بهتر است تا اینکه در آن هوای سرد چهمنی در خیابان‌ها و بیابان‌ها آلا خون و آلا خون می‌سازد!



### یادداشت اجتماعی

#### دکتر ابراهیم جعفری: استفاده از ظرفیت‌های تاریخی یاد شده که اعتماد به نفس و امیدآفرینی می‌را فراهم می‌سازند، نقطه عملی‌تر است

دکتر ابراهیم جعفری: استفاده از ظرفیت‌های تاریخی یاد شده که اعتماد به نفس و امیدآفرینی می‌را فراهم می‌سازند، نقطه عملی‌تر است

انتخاب شعار «ایران، آغازگر سنت دانشگاهی ۱۷۵۷ ساله در جهان»

سنت دانشگاهی ۱۷۵۷ ساله در جهان

تهران، نماد این فخر ملی در ۹۰ سالگی

در ۹۰ سالگی، در ۹۰ سالگی، در ۹۰ سالگی

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد

تأمین دانشگاه جندی شاپور را ۱۷۵۷ سال ثبت و یاد کرد



## ایران، آغازگر سنت دانشگاهی ۱۷۵۷ ساله در جهان

# دانشگاه تهران؛ خاستگاه استادان فرهیخته علمی



۱۲ تیرماه سال ۱۴۰۳ خورشیدی جشن نودمین سال تأسیس دانشگاه تهران، به عنوان نماد فخر ملی با تأکید بر سنت دانشگاهی ۱۷۵۷ ساله در ایران برگزار شد. سیر تکامل آموزش عالی در ایران را می‌توان به دو دهه تأسیس دانشگاه جندی شاپور در سال ۲۷۱ میلادی، تأسیس نظامیه‌ها در سال ۱۰۶۵ میلادی، ربع رشیدی در سال ۱۲۷۵ میلادی، دارالفنون در دسامبر سال ۱۸۱۴ میلادی و شکل‌گیری دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۴ میلادی (۱۳۱۳ خورشیدی) تقسیم کرد.



ایران پیش از ورود پهلوی اول به عرصه سیاست، دارالمعلمیات (دانشسرای تربیت معلم) نیز داشت که هدف از تأسیس آن، تربیت دبیران زن لیسانسه، برای آموزش در دبیرستان‌ها دخترانه بود. تأسیس و توسعه دبیرستان‌ها، موجب شده بود تا تعداد داوطلبان ورود به موسسات آموزش عالی افزایش یابد و مدرسه عالی طب، مدرسه عالی تجارت و مدرسه عالی فلاح، دانشجویان بیشتری داشته باشند. اما دانشگاه تهران را می‌توان اصلی‌ترین پایه دانش و فرهنگ در عصر جدید ایران دانست.

برای آن که بدین‌گونه این خانه بزرگ علم، خرد و فرهنگ بر تارک ایران درخشیدن گرفت، کام به اقتصاد و سیاست بودند در سال ۱۲۹۷ و ۲ سال قبل از زمامداری رضاشاه، دانشگاهی که امروز معروف به دانشگاه خوارزمی است، تأسیس شد و مدرسه عالی طب نیز سال‌ها پیش از روی کار آمدن پهلوی اول فعالیت داشت و پزشک تربیت می‌کرد و پزشکان فارغ‌التحصیل این مدرسه در درجه تخصص و استادی بودند.

این مدرسه در سطح تخصصی در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، و کحالی (چشم پزشکی)، دانشجویان پذیرفت و در رابطه با دیگر رشته‌ها نیز دانشجویان پس از گذراندن دوره عمومی، برای اخذ مدرک تخصصی مورد نظر، به خارج از کشور اعزام می‌شدند.

ویژه‌ای پیدای می‌کند. بی‌گمان هر ایرانی آزاده و بیداردلی با گذشت زمان و به تجربه تاریخی از حوادث تلخ و شیرین روزگار آموخت که بقای ایران وابسته به ارزش نهادن به هویت ملی آن است. ما ایرانیان در جهان تنها ملت هستیم که تاریخی هزاران ساله (۷ و ۱۰ یاب‌ه گفته‌ای ۱۰ هزار ساله)، درخشان و افتخارآمیز از نیاکامان داریم.

بیگانگان و بیگانه پرستان می‌کوشند با بی‌ارزش شمردن تاریخ گذشته کشورمان، به آینده ایران عزیزمان آسیب‌های جبران‌ناپذیر برسانند. متأسفانه حافظه تاریخی ما بسیار ضعیف و ضربه‌پذیر است و به همین دلیل از گذشته‌ها عبرت نمی‌گیریم و هر بار اشتباهات تاریخی مان تکرار می‌شود. ارستت روتان، تاریخ‌نگار فرانسوی می‌گوید: «در سزمزمی که مردم آنجا تاریخ می‌خوانند، خردسالان شان همانند سالخورده‌گان

می‌اندیشند و در کشوری که مردن‌اش تاریخ نمی‌خوانند، سالخورده‌گان شان مانند خردسالانند». ای کاش تاریخ مشروطه را با دقت مطالعه می‌کردیم و تجربه می‌آموختیم. آنان که می‌کوشند تاریخ گذشته این سرزمین را نادیده بدارند می‌خواهند هویت ملی ما را که ریشه دار و موجب پایداری این سرزمین است نابود کنند، غافل از آنکه این سرزمین کهنسال با تاریخ گذشته خود نفس می‌کشد و زنده است و تا جهان باقی است، ماندگار خواهد بود. ای موهون که همچون کوروش، فردوسی و ارش کما تکبیر عاشق ایران و ایرانی هستی، برای داشتن ایرانی آباد، آزاد و مستقل تا جهان باقی است باید همچون نیاکان مان به برابری همه انسان‌ها از هر جنس و نژاد، اعتقادی راسخ داشته باشیم.

تاریخ و تجربه هزاران ساله مان نشان می‌دهد ما ایرانیان زمانی که با

چنین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

به عنوان یک ایرانی، ایران را دوست دارم و افتخار می‌کنم ایرانی هستم و از شما و هموطنانی که همچون فردوسی بزرگ می‌گویند: «چو ایران نباشد تن من مباد» می‌خواهم که به فکر وطن باشید و با همکاری بزرگان خیرخواه و آگاه به مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان، در یک اجتماع فارغ از خودخواهی و خودپرستی‌ها و بدون دخالت بیگانگان، گامی در راه رضای خدا و ملت ایران عزیزمان بردارید.

چندین اندیشه‌ای خردمندانه و پاک زندگی می‌کردیم، ملتی توانمند و کشوری قدرتمند و مترقی بودیم و جهانیان به دیده احترام و بزرگی به ما می‌نگریستند.

### چگونه «بچه‌خانه‌ها» به زن و مرد زندگی بدل می‌شوند؟

محمد ماکویی: تا زمانی که پدر، شادروان، در قید حیات بودند، دست به سیاه سفید نمی‌زدم!

در آن زمان: با این که سن و سالی به هم زده بودم و علی‌القاعده می‌بایست برای خودم کسی باشم، از من فقط انتظار درس خواندن می‌رفت که تازه آن را هم زیاد جدی نمی‌گرفتم!

بعد از فوت پدر بود که به یکباره بزرگ و بالغ شدم و کسی که کسی انتظار نداشت حتی بتواند شلوار بابی بپوشد را بالا بکشد، یک شبه آفتدر رشد کرد که هیچکس متوجه نبود «بچه» نشد!

بیشتر دیگر خانواده‌های ایرانی هم، متأسفانه همینطور اداره می‌شوند و بنابراین ما عروس خانم‌های زیادی را می‌بینیم در حالی که تا روز قبل از ازدواج یک وعده غذا هم درست نکرده بودند و یک پیراهن هم اتو نزده بودند و یک جارو هم دست نگرفته بودند، یک شبه، آفتدر بزرگ می‌شوند که از هر انگشت آنان کلی هنر می‌بارد!

لذا؛ اینکه خیلی‌ها بعد از دست دادن یکی از والدین و یا پدر، مرد و زن زندگی می‌شوند و اینکه خیلی‌ها عقیده دارند که سرازری و آدم‌را مرد می‌کند، به دلیل گفته شده است.

از سوی دیگر، شهرستانی‌هایی که زندگی خوابگاهی را تجربه کرده‌اند، معمولاً به اندازه بچه‌هایی که به جز با یا و مامان کسی از کنار دست خود ندیده‌اند، لوس و نر و از خودراضی نیستند و آن‌هایی که بعد از گذراندن چند سال در یک شهر دور افتاده، به عنوان مامور یا شاغل تمام وقت، آستین بالا زده‌اند و یا بله می‌گویند، عموماً از کسانی که بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

بیشتر برای اداره زندگی و یا همزیستی مسالمت‌آمیزی با بنیامه پیدا شده خوددارند!

### ادامه در صفحه ۱۵